

## پسگفتار

رساله ی من در اثر ویرانی اقتصادی و آماده نبودن چاپخانه های پتروگراد برای کار کهنه شده است. رساله در ۱۰ آوریل سال ۱۹۱۷ نوشته شده و امروز که ۲۸ ماه مه است هنوز از طبع خارج نشده است!

این رساله به عنوان یک طرح پلاتفرم برای ترویج نظریات من در برابر کنفرانس کشور حزب ما یعنی حزب کارگر بلشویک سوسیال دموکرات روسیه نوشته شده بود. این رساله که در چند نسخه ماشین شده قبل از کنفرانس و در جریان کنفرانس بین اعضای حزب پخش شده بود، به هر حال تا اندازه ای تأثیر خود را بخشید ولی اکنون دیگر کنفرانس ۲۴-۲۹ آوریل ۱۹۱۷ به سر رسیده و قطعنامه هایش مدت هاست منتشر شده است (رجوع شود به ضمیمه ی شماره ۱۳ روزنامه ی «سالداتسکایا پراودا») و خواننده ی دقیق به سهولت مشاهده خواهد کرد که متن رساله ی من اکثراً طرح اولیه این قطعنامه هاست.

برای من فقط این باقی می ماند اظهار امیدواری کنم که رساله ی من برای توضیح قطعنامه های مزبور متضمن فایده ای خواهد بود و سپس در روی دو نکته مکث نمایم.

من در صفحه ۲۷ پیشنهاد می کنم باید فقط به منظور کسب اطلاع در سیمروالد ماند\*. کنفرانس در این نکته با من موافقت نکردشظصسط و من مجبور شدم علیه قطعنامه ی مربوط به انترناسیونال رأی دهم. هم اکنون با وضوح تمام دیده می شود که کنفرانس دچار اشتباه گردیده است و جریان حوادث به سرعت آن را اصلاح خواهد

---

\* - رجوع شود به بخش قبلی (ورشکستگی انترناسیونال سیمروالد...).

نمود. ما با باقی ماندن در سیمروالد (ولو علی رغم تمایل خود) در امر تعویق تأسیس انترناسیونال سوم شریک می شویم؛ ما به طور غیر مستقیم تأسیس آن را به تأخیر می اندازیم، زیرا سیمروالد که از لحاظ مسلکی و سیاسی حکم مرده را پیدا کرده مانند سربراری دست ما را بند نموده است.

وضع حزب ما در برابر کلیه احزاب کارگر سراسر جهان اکنون چنانست که موظفیم بی درنگ انترناسیونال سوم را تأسیس کنیم. به جز ما اکنون کس دیگری نیست این کار را انجام دهد و تعویق آن هم زیان بخش است. اگر ما فقط به منظور کسب اطلاع در سیمروالد باقی می ماندیم بلافاصله دست خود را برای یک چنین تأسیسی باز می گذاریم، (در عین حال اگر اوضاع و احوال امکان استفاده از سیمروالد را هم می داد قادر به استفاده ی از آن بودیم).

ولی اکنون، در نتیجه ی اشتباه کنفرانس، مجبوریم حداقل تا ۵ ژوئیه سال ۱۹۱۷ به طور پسیف در انتظار بنشینیم (یعنی تا موعد دعوت کنفرانس سیمروالد؛ باز اگر یک بار دیگر این موعد را به تأخیر نیاندازند خوبست! زیرا تا کنون یک بار آن را به تأخیر انداخته اند...)

ولی تصمیمی که کمیته ی مرکزی حزب ما به اتفاق آراء پس از کنفرانس اتخاذ نمود و در شماره ی ۵۵ «پراودا» مورخه ۱۲ ماه مه به چاپ رسید نیمی از این اشتباه را اصلاح کرد: مقرر شد در صورتی که سیمروالد به مشاوره با وزراء اقدام نماید ما از آن خارج شویم. من به خود اجازه می دهم اظهار امیدواری کنم که نیمه ی دوم اشتباه نیز همین که ما نخستین شورای بین المللی «دست چپی ها» («جریان سوم» یا «انترناسیونالیست های در کردار». رجوع شود به صفحه ۲۳ - ۲۵ این رساله\*) را فراخوانیم به زودی اصلاح خواهد شد.

نکته ی دومی که باید روی آن مکت نمود تشکیل «کابینه ائتلافی» ۶ ماه مه سال ۱۹۱۷ است. رساله در این مورد بخصوص کهنه به نظر می رسد.

\* - رجوع شود به بخش قبلی (وضع کار در انترناسیونال سوسیالیستی).

ولی در حقیقت امر، همانا در این مورد است که رساله به هیچ وجه کهنه نشده است. این رساله بنای همه چیز را بر تحلیل طبقاتی گذاشته که منشویک ها و ناردنیک ها که شش وزیر به عنوان گروگان در مقابل ده وزیر سرمایه داران داده اند شدیداً از آن هراسانند. و همانا به همین جهت که رساله بنای همه چیز را بر تحلیل طبقاتی گذارده کهنه نشده است، زیرا شرکت تسره تلی و چرنف و شرکاء در کابینه فقط به میزان ناچیزی شکل سازش شورای پتروگراد را با دولت سرمایه داران تغییر داده است و من در رساله ی خود عمداً در صفحه ی ۸ تأکید کردم که «آن چه در این مورد بیشتر منظور نظر من است سازش ظاهری نبوده بلکه پشتیبانی در عمل است»\*.

هر روز با وضوح بیشتری ثابت می شود که تسره تلی و چرنف و شرکاء همانا فقط گروگان های سرمایه داران هستند و دولت «نونوار شده» به هیچ وجه نمی خواهد هیچ یک از وعده های خود را چه در رشته ی سیاست خارجی و چه در رشته ی سیاست داخلی اجرا کند و نمی تواند هم اجرا کند. چرنف و تسره تلی و شرکاء خودکشی سیاسی کرده اند و به دستیاران سرمایه داران بدل شده اند و عملاً انقلاب را خفه می کنند، کرنسکی چنان در غلطیده که علیه توده ها از قوه ی جبریه استفاده می کند (رجوع شود به صفحه ی ۹ رساله: «گوچکف عجلتاً فقط تهدید می کند که علیه توده ها به قوه ی قهریه متوسل خواهد شد»\*\* و حال آن که بر کرنسکی لازم آمد این تهدیدها را عملی کند...). چرنف و تسره تلی و شرکاء از نظر سیاسی هم خود و هم احزاب خود یعنی حزب منشویک ها و اس ارها را فنا ساختند. روز به روز مردم با وضوح بیشتری این نکته را درک خواهند نمود.

کابینه ی ائتلافی- فقط یک لحظه ی انتقالی از سیر تکامل آن تضادهای اساسی طبقاتی انقلاب ماست که من در رساله ی خود به اختصار تحلیل کرده ام. ادامه این

---

\*- رجوع شود به بخش های قبلی (قدرت دوگانه ی خود ویژه و معنای طبقاتی آن) و همینطور (خود ویژگی تاکتیک که از گفته های پیشین ناشی می شود).

\*\* - رجوع شود به بخش قبلی (خود ویژگی تاکتیک که از گفته های پیشین ناشی می شود).

جریان برای مدتی مدید ممکن نیست. یا باید به قهقرا یعنی در تمام جهات به سوی ضدانقلاب رفت و یا باید به جلو رفت یعنی به کار انتقال قدرت حاکمه به طبقات دیگر پرداخت. به هنگام انقلاب و در شرایط جنگ جهانی امپریالیستی نمی توان در جا ایستاد.

## ن. لنین

پتربورگ- ۲۸ ماه ۱۹۱۷

در سال ۱۹۱۷ در جزوه ی موسوم به "اسناد و مدارک مربوط به مسئله ارضی" به چاپ رسید.

## منتخب آثار لنین صفحه ۴۵۸

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴